



مدیر مخالف دولت، نمی‌تواند مدیر ارشد باقی بماند

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در جلسه شورای عالی اداری با تأکید بر اینکه تحول و اصلاح ساختاری امری حیاتی برای کشور است، گفت: «در تمامی برنامه‌های پیشرفت موضوع اصلاح ساختاری مطرح و اقداماتی اتخاذ شد اما به دلیل محافظه‌کاری و ملاحظه‌کاری از اقدامات اساسی در این راستا پرهیز کردیم که در نتیجه امروز با یک دولت متورم و با موازی‌کاری و کسری بودجه روبه‌رو هستیم.» وی با تأکید بر اینکه اصلاح ساختاری و اداری تنها به یک دستگاه و حتی دولت مرتبط نیست و نیازمند یک عزم ملی با همکاری همه نهادهای حکومتی و حکمرانی است، گفت: «هیچ راهی جز اصلاحات ساختاری نداریم و از رئیس‌جمهور برای جدیت و پیگیری موضوع اصلاحات ساختاری قدردانی می‌کنیم. مشکلات اداری از کارمندان دولت نیست و در عین حال اصلاحات ساختاری هزینه‌هایی خواهد داشت؛ به این دلیل که پست‌ها و جایگاه‌های سازمانی عده‌ای گرفته می‌شود. عده‌ای از مدیران که شعار حمایت و کمک برای اصلاحات ساختاری می‌دهند اما زمانی که پست‌های مدیریتی کاسته شود، مباحث صندوقی طرح می‌کنند و بعضاً مطالبات آنان نیز پیگیری می‌شود. همه مدیران دستگاه‌های دولتی در دولت چهاردهم باید از تصمیمات دولت دفاع کنند و اگر بنا باشد تا یک مدیر بر روی تصمیم خود ایستادگی کند، قطعاً دولت نیز ابزار کافی را در اختیار دارد؛ مدیری که در مسیر مخالف تصمیمات دولت است نمی‌تواند به عنوان مدیر ارشد دولت باقی بماند.»



با «نمی‌شود» نمی‌توان کشور را اداره کرد

محمد صالح جوکار، نماینده مجلس در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به اهمیت تغییر رویکرد مدیریتی در کشور گفت: «با «نمی‌شود» و «نمی‌توانیم» نمی‌توان کشور را اداره کرد. گفت‌وگو «می‌توانیم» باید در تمامی ساختارهای تصمیم‌گیری و رفتار مسئولان نهادینه شود.» وی با یادآوری تجربه دفاع مقدس افزود: «در جنگ ۱۲ روزه، مردم با وجود محدودیت‌ها و کمبود امکانات، در کنار اقتدار موشکی کشور، احساس توانمندی می‌کردند. اما امروز برخی این واقعیت را نمی‌بینند و می‌گویند «نداریم» و «نمی‌شود»؛ این نگاه، روحیه جامعه را تضعیف می‌کند. برنامه هفتم توسعه باید در صدر امور اجرایی کشور قرار گیرد، اما بعضی دستگاه‌ها اجرای آن را به تأخیر می‌اندازند و سپس گلابیه می‌کنند که مشکلات حل نشده است. این عدم باور به توان داخلی، سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد و مردم دل‌سرد می‌شوند.»



وفاق و نجات می‌تواند خسارت بار باشد

علی مطهری، فعال سیاسی و نماینده ادوار مجلس در کانال تلگرامی‌اش نوشت: «فیلتر شدن تلگرام در سال ۹۶ با حکم یک مقام قضایی انجام شد که یک کار غیرقانونی بود چون فقط «کارگروه تشخیص مصادیق مجرمانه فضای مجازی» می‌تواند چنین حکمی را صادر کند. به همین جهت رئیس‌جمهور می‌توانست به جای آنکه رفع فیلتر تلگرام را به بحث و گفت‌وگو بگذارد آن را با یک فرمان انجام دهد و خسارت مالی فیلترشکن‌ها را که از جیب مردم پرداخت می‌شود متوقف کند. وفاق وقتی بانجابت زیاد توأم می‌شود می‌تواند خسارت بار باشد.»

گزارش استانی

راضی‌ها و ناراضی‌ها

ارزیابی میزان رضایت از عملکرد استانداران دولت چهاردهم



منصوره محمدی
خبرنگار سیاست

دولت چهاردهم هم‌زمان با روی کار آمدن رویکردهایی را برای انتخاب استانداران مطرح کرد که محل تنازع و توافق گروه‌های مختلف سیاسی بود. شعار «وفاق ملی» در انتخاب استانداران و تکیه بر «شاخص‌های علمی» دوگانه‌هایی بود که از یک سو، ظن لابی‌ها و فشارهای سیاسی را بالا می‌برد و از سوی دیگر امید به انتخاب‌هایی از سر کار آمدی و تخصص محوری را بیشتر می‌کرد.

دوگانه علم و عمل

مسعود پزشکیان در یکی از نخستین دیدارهای خود پس از انتخاب به عنوان رئیس دولت چهاردهم گفته بود حل مسائل به شرط وفاق است و استانداران و فرمانداران نیز براساس شاخص‌های علمی انتخاب می‌شوند. رئیس‌جمهور همچنین تأکید کرد «نباید افرادی که شاخص‌های کارشناسی ندارند به عنوان گزینه برای استانداری یا فرمانداری معرفی شوند.»

با این حال فرایند انتصاب استانداران و واکنش‌هایی که به این انتخاب‌ها انجام شد، نشان داد اجرای این رویکرد با موانع سیاسی متعددی روبه‌رو است و با واقعیت آنچه در فرایند انتصاب‌ها انجام می‌گرفت، فاصله بسیار بود. سیدمصطفی هاشمی طبا از بی‌سلیقه‌گی در انتخاب استانداران سخن گفت: «گویی کشور مثل یک شرکت سهامی می‌خواهد اداره شود.» غلامحسین کرباسچی نیز در واکنش به انتصاب برخی استانداران گفته بود: «هم انتصاب وزیر کشور اشتباه بوده و هم استانداران و معاونانی که انتخاب می‌شوند. من یقین دارم که دولت بعدها پیشیمان خواهد شد. حتماً مسائل و مشکلاتی را در پی خواهد داشت.» فرایند انتخاب استانداران در دولت چهاردهم سه ماه به طول انجامید و ۲۸ شهریور سال گذشته آغاز و در نهایت ۱۴ آذر سال گذشته با معرفی دو استان باقی مانده به اتمام رسید.

رویکرد تکنوکراتیک دولت در گزینش استانداران با انتخاب یک استاندار کرد و اهل سنت موچی از امید به تغییرات بنیادین را ایجاد کرد. بسیاری معتقد بودند که وزارت کشور دولت چهاردهم و مسعود پزشکیان به دنبال اصلاحات اساسی هستند و مسیر تغییر آغاز شده است، اما زمانی که در نهایت پرونده استانداران با ابقای استاندار دولت سیزدهم در البرز بسته شد، ترمز تغییرات تکنوکراتیک کشیده شد و این انتخاب نشان داد اجرای شعار «وفاق ملی» و «شاخص‌های علمی» احتمالاً با موانع سیاسی روبه‌رو است.

سجش حرکت بر مدار وفاق

پس از آغاز به کار استانداران، پرسش اصلی این بود که استانداران منتخب تا چه اندازه بر مدار وفاق حرکت کردند و عملکرد آنها از زمان روی کار آمدن چگونه بوده است. بر همین اساس روزنامه هم‌میهن در پرونده‌ای به بررسی عملکرد استانداران منصوب دولت چهاردهم و عملکرد دولت وفاق ملی در رویکردهای استانداران پرداخت. بررسی‌ها مبتنی بر پژوهش‌های اینترنتی، صحبت با فعالان سیاسی استان‌ها و تحلیل نظری استوار بود. در هر پرونده در گفت‌وگو با دو نماینده از جناح‌های سیاسی مختلف (یک نماینده اصلاح‌طلب و یک نماینده اصولگرا) درباره فرایند انتخاب استاندار، عملکرد استاندار از زمان روی کار آمدن در بخش‌های انتصابات، عمرانی و اجرایی، تعامل با مردم و احزاب سیاسی و تغییراتی که در فضای سیاسی استان‌ها روی داد توضیحاتی ارائه شد. در این گزارش‌ها، تصمیمات کلیدی استانداران از زمان روی کار آمدن و میزان انطباق رویکردهای آنها با وعده‌های اولیه دولت و حرکت



قومیتی که در استان مطرح است بسیار سخت است؛ هر چند که فعالان سیاسی استان معتقدند این مسئله را به خوبی مدیریت کرده است.

تهران: در استان تهران انتخاب محمد معتمدیان و رویکرد امنیتی او از همان ابتدا مورد انتقاد قرار گرفت. معتمدیان به‌عنوان یک چهره اصولگرا با انتخاب‌های اصولگرایی که داشت ناراضیاتی عمیقی میان فعالان سیاسی استان تهران ایجاد کرد. با این حال فشارهای وارده به وی باعث شد تا با انتخاب چهره‌هایی که بیشتر از جریان معتدل بودند، تعادل را برقرار کند.

کردستان: انتخاب آرش زره‌تن لهنوسی به عنوان نخستین استاندار منتصب دولت چهاردهم که هم‌گرد بود هم اهل سنت، موچی از امیدواری را میان اهالی کردستان ایجاد کرد، با این حال عملکرد وی در ادامه مورد انتقادهای بسیاری از سوی فعالان سیاسی استان قرار گرفت. به‌ویژه آنکه به عقیده بسیاری نقش خانواده استاندار در انتصاب‌ها بسیار پررنگ مطرح می‌شد.

کرمانشاه: در استان کرمانشاه نیز، لابی گسترده نمایندگان مجلس در عملکردهای انتصابی استاندار بسیار پررنگ بوده است. انتصاب منوچهر حبیبی خود نیز محل بحث بود و در حالی که اهالی کرمانشاه معتقد بودند وی با یک لابی گسترده به استان کرمانشاه رسید، اما وزیر کشور در مراسم معارفه این اظهارات را رد کرد و گفت: «حبیبی و امدار هیچ‌کس نیست». تعامل حبیبی با نمایندگان احزاب سیاسی، دیدارهای مردمی و رویکردی که در انتصاب زنان داشته مورد قبول جامعه سیاسی کرمانشاه قرار گرفت اما او بیشتر از عملکرد اجرایی در عملکرد انتصابی مورد انتقاد و تحت فشار قرار داشت.

قم: انتخاب یک اصلاح‌طلب در استان مذهبی قم که خاستگاه اصولگرایی دارد، یکی از اقدامات پرریسک وزیر کشور بود. با این حال اکبر بهنام‌جو با حضور در استان قم توانست اعتماد جریان‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا را به دست آورد. به اعتقاد فعالان سیاسی قم، بهنام‌جو توانست در چیدمان مدیران خود تعادل را حفظ کند و تمرکز خود را بر روی مدیریت اجرایی استان؛ همان موضوعی که برای آن انتخاب شده اختصاص دهد و از همین روی مورد توجه عموم قرار گرفت.

لرستان: اگر استان لرستان را به عنوان یکی از کانون‌های اصلاح‌طلبان در ایران در نظر بگیریم، اصلاح‌طلبان این استان در انتخاب یک استاندار همسو با جریان فکری و سیاسی خود موفق عمل کردند. رئیس‌ستاد انتخاباتی پزشکیان در لرستان چهره‌ای مؤثر در انتخاب سیدسعید شاهرخی به سمت استانداری از میان بیش از ۶۰ گزینه پیشنهادی برای انتصاب استاندار بود. شاهرخی نیز حضور حداکثری یاران ستادی پزشکیان در انتخابات را در کابینه خود فراهم کرد.

فارس: لابی نمایندگان مجلس در فارس نیز پررنگ بود، نمایندگان این استان پیش از انتصاب استاندار، راه را بر یک گزینه بستند و گزینه محتمل بعدی را نیز در تنگنا قرار دادند، چراکه معتقد بودند فارس به استاندار غیربومی نیاز ندارد. حسینعلی امیری به عنوان یک اصولگرای غیربومی راه سختی را در فارس آغاز کرد، احتمالاً به دلیل واکنش‌های شدیدی که پیش از انتصاب از سوی نمایندگان دید، در انتخاب کابینه خود محتاطانه عمل کرد و از مدیران دولت گذشته نیز در کابینه خود استفاده کرد و تا حدودی نظر مثبت جریان‌های سیاسی استان را جلب کرد.

گیلان: هادی حوشناس توانست نگاه مثبت فضای سیاسی استان گیلان را در هر دو طیف اصلاح‌طلب و اصولگرا، با خود همراه کند. حق‌شناس توانست با طرح مسائل کلیدی در استان گیلان از جمله بحران‌های محیط زیستی تصویری از یک مدیر مسئولیت‌پذیر و پاسخگو در استان ارائه دهد. ترکیب انتصاب‌های وی نشان داد که در تلاش است تا رویکرد وفاق ملی

آنها بر مدار خواسته‌هایی که وزیر کشور در مراسم معارفه مطرح می‌کرد، همچنین وعده‌هایی که خود استانداران در نخستین اظهارنظرهای رسمی پس از روی کار آمدن مطرح می‌کردند، بررسی شد.

اقبال مثبت استان‌ها به بومی‌گزینی

نکته مثبت و قابل توجه اکثر انتصاب‌ها، توجه به مسئله بومی‌گزینی بود که مورد حمایت فعالان سیاسی اکثر استان‌ها قرار گرفت. به گونه‌ای که از میان ۳۱ استاندار منصوب شده، ۲۱ استاندار بومی استان‌های خود بوده‌اند. (استاندار البرز که متولد تهران است و استاندار سه استان خراسان شمالی، جنوبی و رضوی که متولد شهرهای مختلف خراسان هستند بومی در نظر گرفته شدند)

با این حال دولت چهاردهم در استفاده از جریان‌های سیاسی مختلف در تیم استانداران که آن را به وفاق ملی تعبیر کرده بود، چندان مورد پسند همه جریان‌های سیاسی به‌ویژه اصلاح‌طلب‌ها که حامیان اصلی انتخاباتی دولت بودند تمام نشد. در نهایت سهم اصلاح‌طلبان از بازوهای اجرایی دولت در استان‌ها ۱۶ استاندار بود؛ ۸ استاندار اصولگرا و ۷ استاندار معتدل و یا مستقل انتخاب شدند. با این حال این توزیع نشان می‌دهد دولت چهاردهم در عمل به شعار «وفاق ملی» پایبند بوده است؛ هر چند که بسیاری از فعالان سیاسی در استان‌های مختلف معتقد بودند یک تعریف درست از وفاق ملی نه‌تنها منجر به انتخاب گزینه مناسب برای استان‌ها نشد، بلکه گزینه منتخب هم در ادامه توانست دومینوی انتصابات را در استان‌ها به درستی مدیریت کند و کابینه مدیریتی مورد قبولی را بر سر کار بیاورد.

بررسی و مقایسه سخنان استانداران در مراسم معارفه با سخنان وزیر کشور در آن روز و تطبیق با رویکردهای در نظر گرفته شده استانداران نشان می‌دهد میان عمل به حرف وزیر کشور و حتی عمل به سخنان مطرح‌شده در آن جلسات نیز فاصله وجود دارد. صحبت درباره «وفاق ملی» در تمامی مراسم‌های معارفه مطرح بود، با این حال عمل به این شعار با سختی‌های فراوانی همراه بوده است. به عقیده فعالان سیاسی در استان‌های مختلف وفاق به ابزاری برای جانمایی دست‌نشانده‌های منتخب در استان‌ها تبدیل شد و نبود تعریفی روشن، صریح و دقیق از وفاق ملی، بیشتر به یک ابزار سیاسی تبدیل شد تا وسیله‌ای که بتوان بازوهای اجرایی دولت در استان‌ها را تقویت کرد. در ادامه این گزارش، یافته‌های گزارش ۳۱ استان که حاصل گفت‌وگوهای مستقیم با فعالان سیاسی جناح‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا، افراد مطلع و برخی نمایندگان ادوار مجلس مرور خواهد شد. گفت‌وگوهایی که تصویری از روندهای پنهان و ملاحظات سیاسی پشت پرده انتخاب استانداران و انتخاب مدیران استان را بازگو می‌کند و مبنای اصلی این گزارش بوده است.

نمایه استانی

زنجان: در استان زنجان، فشارهای شدید نمایندگان مجلس در موضوع انتصابات کار را برای استاندار منتخب (محسن صادقی) سخت کرد. اقدام شاخص وی را می‌توان در توجه به ظرفیت‌های زنان در تیم مدیریتی دید که مورد توجه فعالان سیاسی و به‌ویژه جامعه زنان قرار گرفته است.

البرز: تداوم حضور استاندار منتخب دولت سیزدهم در استان البرز نیز مورد انتقاد بسیاری قرار گرفت. وزیر کشور این ثبات را برای تداوم وفاق ضروری دانست، اما به عقیده فعالان سیاسی این عملکرد مجتبی عبدللهی بود که منجر به ابقای وی شد.

آذربایجان غربی: استاندار آذربایجان غربی آخرین استاندار منتخب دولت چهاردهم بود، کار رضا رحمانی با توجه به خشکی کامل دریاچه ارومیه و تفرقه‌افکنی‌های